

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال ششم، شماره (۱۸)، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۳۰

صص ۱۰۴ - ۸۵

تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه موردی: شهرستان کهگیلویه)

حلیمه عنایت^۱، عبدالرحیم دهقانی^۲

چکیده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره با آفت‌هایی روبروست. که یکی از این آفتها خشونت شوهران علیه زنان است. تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در چرخه ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی تمرکز یافته در میان خانواده‌ها جریان دارد. در این تحقیق عوامل مذکور تحت عنوان سرمایه‌های اجتماعی مطرح گردیده است. اولین نظریه‌ها و تعاریف سرمایه اجتماعی به صورت علمی و جدی توسط کلمن و پاتنام به کار گرفته شد و آنها از طراحان اولیه نظریه سرمایه اجتماعی هستند. داده‌های این پژوهش از مناطق مختلف شهرستان کهگیلویه جمع آوری شده است که نمونه آن شامل ۳۰۶ نفر از زنان متاهل شهرستان است. تحلیل‌ها و نتایج این پژوهش مبین این واقعیت است که

۱- دانشیار بخش جامعه‌شناسی و رئیس مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز Henayat@rose. Shirazu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ای در خشونت شوهران علیه زنان در خانواده دارند.

واژه‌های کلیدی: خشونت، سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت، قابلیت ارتباط پذیری

مقدمه و طرح مسأله

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) به کار رفته است که در آن توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوددهای حومه قدیمی و مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با نهادهای رسمی مانند نیروی پلیس مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۳).

سرمایه اجتماعی به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشها غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. تشکیل گروهها ی موفق در نبود سرمایه اجتماعی با استفاده از انواع مکانیسمهای مشارکتی رسمی مانند قراردادها و نظام نامها امکان پذیر است اما در هنجارهای غیر رسمی به طرز فوق العاده ای هزینه بده بستنهایی را که مستلزم این نوع مکانیسمهاست کاهش داده تحت شرایط معینی می تواند به میزان بالاتری سازگاریهای گروهی را تهسیل کند (فوکویاما، ۱۳۸۵).

فوکویاما معتقد است به جای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت می توان نبود سرمایه اجتماعی یا عبارتی دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت و فروپاشی خانواده و غیره را به روشهای مرسوم اندازه گیری کرد. فرض براین است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارها و رفتارهای مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کنند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود. (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۰).

در تعریف خشونت از نظر سازمان بهداشت جهانی، آمده است: خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا احتمال بروز آسیب‌های روانی،

جسمانی رنج آزار زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری در شرایط خاص، از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می‌گردد (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۳۰). این پدیده در خانواده از جمله موانع اصلی در سلامت و تحکیم خانواده است زیرا که زن و مرد عناصر و اساس پایداری خانواده می‌باشند و ادامه موجودیت خانواده متکی به آنهاست. در بین تمامی نهادها، و مؤسسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت خاص و بسزایی دارد. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. باز بی هیچ شبهه هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱).

با توجه به قدمت و عمومیت خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، بالطبع جامعه ما نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست. اما در شهرستان کهگیلویه که دارای بافت عشیره‌ای و قبیله‌ای بسیار قوی می‌باشد، و فرهنگ مرد سالاری نمود بیشتری دارد و قدرت برتر از آن مرد می‌باشد. در صورت عدم تمکین زنان در ارائه خدمات خانگی از ابزار خشونت علیه آنان استفاده می‌کنند.

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی به عنوان یک سازه مفهومی منجر به شکل‌گیری بینش‌های تازه‌ای در روابط اجتماعی و تأثیر این بینش‌ها بر زندگی افراد می‌شود، بنابراین پژوهش پیش رو در صدد است تا از دریچه‌ی روابط حاکم در خانواده به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در شهرستان کهگیلویه بپردازد. هدف اصلی این تحقیق سنجش میزان خشونت خانگی علیه زنان و بررسی رابطه‌ی بین سرمایه اجتماعی خانواده و خشونت شوهران علیه زنان است.

پیشینه پژوهش

هیچ تحقیقی در خلأ صورت نمی‌گیرد، بنابراین هر پژوهش در تداوم پژوهش‌های پیشین به انجام می‌رسد. تا هم از دوباره کاریها در آن اجتناب شود و هم از داده‌های تحقیقات پیشین برخوردار گردد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

علیرغم توجه تئوریک نسبت به سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر روی مسائل اجتماعی، در جامعه ما مطالعات تجربی چندانی به صورت مستقیم رابطه بین سرمایه اجتماعی و بزهکاری را مورد بررسی قرار نداده و همین امر نوعی شکاف بین مطالعات نظری و تجربی شده است.

اعزازی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «خشونت خانوادگی بازتاب ساختار جامعه» معتقد است که ساختار اجتماعی جامعه ایران ویژگی‌های پدرسالارانه دارد و منابع کمیاب اجتماعی در اختیار مردان است و به صورت مختلف از دسترس زنان دور نگه داشته می‌شود و به همین دلیل خشونت خانوادگی در ایران به صورت آشکار هم در اماکن عمومی و هم در خانواده اعمال می‌شود، اما در خانواده بیشتر اتفاق می‌افتد...

مولاوردی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای تحت عنوان علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان، مهم‌ترین علل خشونت نسبت به زنان را مناسبات نابرابر میان زن و مرد در برخورداری از قدرت، جنسیت، الگوهای فرهنگی نشأت گرفته از نسبت‌های غلط و عقاید قالبی و تعصبانه، پنهان کاری، تأثیر سوابق کودکی (چرخه خشونت)، تأثیر رسانه‌ها گروهی، و عوامل موقعیتی و ویژگی‌های شخصیتی ذکر می‌کند.

غفاری (۱۳۷۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا ضرب و شتم زن نشانه مردانگی است» ازدواج‌های تحمیلی، عدم رعایت فاصله سنی و طبقاتی، فقر، و مشکلات اقتصادی و علل روانی را از عوامل بروز اختلاف یا اعمال خشونت در خانواده‌ها می‌داند.

زنگنه (۱۳۸۱) به بررسی علل خشونت شوهران علیه زنان در شهرستان بوشهر پرداخته و به این نتیجه رسیده بود که مدل متغیرهای جمعیت شناختی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جهت تبیین تغییرات خشونت شوهران علیه زن در خانواده از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده است. لیزا یانگ لارسن و پورتر (۲۰۰۴) در مطالعه‌ی زنان قربانی خشونت خانگی در بنگلادش به بررسی فرایندهای حمایت‌های گروهی و خشونت خانگی پرداختند و دریافتند که اعتماد و شبکه اجتماعی در مقام شاخص‌های اجتماعی نقش مهمی در کاهش خشونت دارند.

آدام زولوتور و دسموند کی رانین (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و خشونت خانگی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی پایین به منزله تهدید کننده و افزایش دهنده‌ی تنبیهات شدید جسمانی و خشونت خانگی پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که ارتقای سطح سرمایه

اجتماعی به عنوان یکی از منابع در دسترس خانواده می تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد.

ویلیامز (۱۹۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «منابع اجتماعی خشونت» به این نتیجه رسیده که افزایش انزوای اجتماعی، نابرابری و مشروعیت خشونت با کاهش در هزینه‌های کنترل و نهایتاً جلوگیری از خشونت همراه است.

درویش‌پور (۱۳۷۷) در یک پژوهش تجربی خشونت را در خانواده‌های ایرانی مقیم سوئد مورد بررسی قرار داده است. نتایج آن نشان داد که خشونت در خانواده‌های متلاشی شده به مراتب رایج‌تر از خانواده‌هایی بود که در آن زن و شوهر همچنان به زندگی مشترک با هم ادامه می‌دادند. به بیان روشن‌تر خشونت خطر جدایی را افزایش می‌داد.

هورنانگ و همکارانش (۱۹۸۱) پژوهشی تحت عنوان «رابطه پایگاه با ازدواج» در سال ۱۹۸۰ بر روی نمونه تصادفی شامل ۱۷۹۳ زن انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین شغل و آموزش اکتسابی افراد با همسرآزاری بود. تفاوت پایگاه شغلی و آموزشی هر کدام از زوجین و تفاوت پایگاه آموزشی و شغلی بین زوجین با خطر فزاینده خشونت روانشناختی و حتی خطر بسیار فزاینده خشونت فیزیکی همراه بود.

چهار چوب نظری

سرمایه اجتماعی مفهوم پیچیده‌ایست امروزه یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات در بین اندیشمندان اجتماعی این است که سرمایه اجتماعی را چگونه تعریف و اندازه‌گیری کنیم؟ این مسأله بحث و انتقادات زیادی را در محافل دانشگاهی به همراه داشته است.

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی عبارت است از: هنجارهای غیررسمی جا افتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱). فوکویاما معتقد است با وجود تغییراتی که در ساختار خانواده ایجاد شده است خویشاوندی به عنوان قویترین شکل ارتباط اجتماعی در جوامع معاصر باقی خواهد ماند به اعتقاد او با وجود تفاوت در بین جوامع از لحاظ اهمیت خانواده و خویشاوندی، اما هیچ جامعه‌ای نیست که به طور کامل خویشاوندی در آن محو شده باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی صرفاً در درون خانواده قرار ندارد. این سرمایه را می‌توان در اجتماع نیز یافت که شامل روابط اجتماعی میان زن و شوهر و ارتباط آنها با یکدیگر و در روابط زن و شوهر با نهادهای اجتماع محلی تجلی می‌یابد (Coleman, 1988 : 113).

برای کلمن سرمایه اجتماعی ملموس است و در ساختار روابط بین و میان کنشگران افزایش می‌یابد. سرمایه اجتماعی تعهدات و انتظار کانالهای اطلاعاتی و مجموعه هنجارها و ضمانتهای مؤثری که انواع معینی از رفتار را تشویق و یا مجبور می‌کند، شکل می‌دهد. او اعتقاد دارد سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: ۱- همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند. ۲- کنشهای معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. کلمن به بحث روابط خانوادگی متمرکز شد و روابط والدین با فرزندان و والدین با یکدیگر را بررسی و سرمایه اجتماعی را بر این اساس مطالعه نمود. او بر نقش مثبت سرمایه اجتماعی در کسب و جمع‌آوری دیگر اشکال سرمایه تأکید می‌کند و آنرا منبع اجتماعی می‌داند که برای همه اعضا سودمند است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

طبق نظر بوردیو انطباق بین فضای موقعیت اشغال‌شده در فضای اجتماعی و فضای تمایلات اشغال‌کنندگان آن موقعیت‌ها رابطه وجود دارد. بر اساس این نظر بوردیو، می‌توان گفت که تمایلات یا گرایشهای رفتاری افراد ناشی از موقعیتی که در روابط اجتماعی دارند. بدین معنی که جایگاهی که در روابط اجتماعی کسب می‌شود نوعی خاصی از عادت و آراه را شکل می‌دهد بطوریکه شرایط زندگی، رفتارهای فرهنگی و سیاسی از نوع خاصی می‌شود پس این جایگاه می‌تواند نوع خاصی از رفتارها را نیز به همراه داشته باشد بنابراین نوع خاصی از روابط اجتماعی شکل مناسبی از روابط زن و شوهر را به همراه دارد (Mouzelis, 1995:3).

به نظر پوتنام سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند و به نهادهای اجتماعی اجازه تولید بیشتر می‌دهد (campbell, Vimpani, 2000 : 44). به نظر پوتنام سرمایه اجتماعی در گروههای مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است.

هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع سرمایه اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی کنش جمعی نیست بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیرقابل حل کنش اجتماعی را حل می‌کند. شبکه‌های تعهد مدنی (انجمنهای همسایگی، گروههای موسیقی، انجمنهای تعاونی، کلوبهای ورزشی، احزاب...) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی اند چراکه آنها تقویت‌کننده موثر هنجارهای عمل متقابل هستند (Cusack, 1998: 398)..

براساس رویکرد تئوری انتخاب عقلانی افرادی که دارای انتخاب‌های عقلانی هستند زمانی مرتکب جرم می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت بدست می‌آورند بیشتر از آستانه اخلاقی آنها باشد براساس این نظریه در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای خانواده افراد در اغلب موارد مرتکب جرم و انحراف نمی‌شوند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۱۱).

تئوری فشار فرض می‌کند که وقایع برتنش در خانواده یا محله منجر به احساسات منفی و بعداً بزهکاری می‌شود براساس این تئوری می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی همچنین کاهش سرمایه اجتماعی در درون خانواده باعث می‌شود که افراد هنگام روبه رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آنها غلبه نمایند در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به جرم و بزهکاری می‌شود (کاتز ۲۰۰۲: ۳۱).

به طور کلی در ارتباط با سرمایه اجتماعی و جرم دو استدلال محل وجود دارد. یکی اینکه سرمایه اجتماعی هزینه‌های روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد و در نتیجه باعث حل مسالمت آمیز تضادها و تفاوت‌های بین شخصی و اجتماعی می‌گردد. دوم اینکه جوامعی که در بین اعضایشان پیوندهای قوی وجود دارد بهتر می‌توانند رفتارهای فرصت طلبانه افراد را کاهش دهند و نهایتاً از پتانسیل تضاد و سینر اجتماعی بکاهند (همان).

روش تحقیق

روش مناسب برای این پژوهش روش پیمایشی است. پیمایش یکی از روشهای مناسب برای تحقیقات پهنانگر در جامعه شناسی است. جامعه آماری این تحقیق رازنان متاهل شهرستان کهگیلویه تشکیل می دهد، با توجه به اینکه نمونه ما باید از بین مناطق مختلف انتخاب شود. روش نمونه گیری مناسب برای این تحقیق، نمونه گیری چند مرحله ای طبقه بندی شده است. بنابراین با ملاحظه موارد فوق از فرمول کوکران استفاده کرده و با توجه به تعداد جمعیت مورد مطالعه حجم نمونه ۳۰۶ مورد خواهد بود.

تکنیک اصلی مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بود، که به دلیل پایین بودن سطح سواد و آگاهی اجتماعی به روش حضوری انجام شد. بنابراین اطلاعات با استفاده از پرسشنامه ای مرکب از سؤالات باز و بسته و با روش حضوری جمع آوری شده است.

فرضیات تحقیق

بین مشارکت زوجین در گروههای داوطلبانه و غیررسمی و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه وجود دارد.

بین اعتماد زوجین به یکدیگر و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه وجود دارد. بین قابلیت ارتباط پذیری زوجین و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه وجود دارد.

بین تحرک مکانی زوجین و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه وجود دارد.

اعتبار و روایی تحقیق

در مقاله حاضر برای سنجش روایی از اعتبار صوری استفاده شده است. برای سنجش اعتبار صوری گویه ها براساس چارچوب نظری پژوهش و مطالعات پیشین در اختیار اساتید دانشگاه قرار گرفت که در نهایت با حذف چند گویه بر اساس نظر این کارشناسان گویه های پژوهش انتخاب شدند. برای تعیین پایایی این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که آلفای کرونباخ برای متغیرهای اعتماد با ۸ گویه ۰/۷۹٪

مشارکت با ۹ گویه ۷۳٪، قابلیت ارتباط پذیری با ۱۱ گویه ۶۸٪، تحرک مکانی با ۴ گویه ۷۷٪، خشونت با ۲۹ گویه ۸۱٪ بوده است که نشانگر پایا بودن ابزار سنجش است.

متغیر مستقل

سرمایه اجتماعی خانواده: مجموعه ای از منابع که در ذات روابط خانواده وجود دارد و به مثابه هنجارهای غیر رسمی همکاری و اعتماد بین اعضای خانواده را تشویق می کند و از طریق آن کارایی خانواده را افزایش می دهد (کلمن، ۱۳۷۷:۴۶۷).

شاخص های سرمایه اجتماعی

قابلیت ارتباط پذیری: میزان رفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه بین افراد همچنین سطح شعاع و گرمی روابط افراد با دیگر افراد و گروهها.

مشارکت: بر آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹:۱۰۸)

اعتماد: انتظارات و تعهدات اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر دارند و نسبت به سازمانها و نهادهای اجتماعی دارند (Paxton, 1999: 105).

تحرک مکانی: تعداد دفعات جابجایی محل سکونت و محل کار در طول دوران ازدواج.

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق «خشونت شوهران علیه زنان در خانواده» می باشد، که عبارت است از هر نوع رفتاری که مرد به قصد اثبات قدرت برای نظارت بر زن داشته باشد. (اعزازی، ۲۰۸: ۱۳۷۶).

یافته‌های توصیفی

توزیع سنی نشان می‌دهد که جمعیت مورد مطالعه ۲۹/۹ در گروه سنی ۱۴-۲۵ سال، ۵۰/۳ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۵ سال، ۱۹/۸ درصد در گروه سنی بیش از ۳۶ سال قرار دارند. همچنین توزیع جمعیت بر حسب سن ازدواج نشان می‌دهد که جمعیت مورد مطالعه ۶۷/۳ درصد آنها در سن ۱۴-۲۰ سال، ۳۰/۳ درصد آنها در سن ۲۱-۲۵ سال، ۲/۴ درصد آنها در سن بیش از ۲۶ سال به بالا ازدواج نموده‌اند. توزیع جمعیت نمونه بر حسب محل تولد زنان نشان می‌دهد که ۵۳/۲ درصد از زنان در شهر، ۴۴/۸ درصد در روستا و ۱/۳ درصد در ایل متولد شده‌اند.

یافته‌های استنباطی.

جدول ۱: میانگین خشونت شوهران علیه زنان بر حسب رضایت و علاقه زن در انتخاب

همسر

سطح معنی داری	T مقدار	رضایت و علاقه زن در انتخاب همسر				متغیر انواع خشونت
		خیر		بلی		
		میانگین	فراوانی	فراوانی	فراوانی	
۰/۰۰۰	-۹/۴۴	۴/۰۶	۱۵۴	۳/۱۳	۱۴۲	خشونت روانی
۰/۰۰۰	-۷/۳۳	۳/۲۱	۱۴۷	۲/۴۲	۱۳۸	خشونت فیزیکی
۰/۰۰۰	-۶/۳۵	۳/۵۷	۱۵۳	۲/۹۰	۱۴۰	خشونت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۹/۱۷	۴/۲۳	۱۵۰	۳/۱۸	۱۳۳	خشونت اقتصادی
۰۰۰۰	-۲/۹۴	۱/۸۶	۱۵۵	۲/۲۷	۱۴۳	خشونت کلی

در جدول شماره ۱، میانگین انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده بین زنانی که در انتخاب همسر آزاد بودند و آنهایی که در انتخاب همسر آزاد نبودند مقایسه شده است. آزمون t اختلاف معنی داری بین میانگین خشونت روانی شوهران علیه زنان در خانواده بین آنانی که همسر خود را با رضایت و علاقه انتخاب کرده‌اند و آنهایی که آزادی در انتخاب همسر نداشته‌اند را نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به مقدار میانگین‌ها می‌توان گفت که زنانی که

بدون رضایت و علاقه با همسر خود ازدواج نموده اند در مقایسه با زنانی که همسر خود را با رضایت و علاقه انتخاب نموده اند بیشتر متحمل خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، شوهرانشان شده اند. بطور کلی از مون t اختلاف معنی داری با اطمینان ۹۹ درصد بین میانگین خشونت شوهران علیه زنان در خانواده بین زنانی که با رضایت و علاقه و رضایت بدون رضایت و علاقه با توجه به مقدار میانگین می توان گفت زنانی که همسر خود را با رضایت و علاقه انتخاب نموده اند کمتر مورد خشونت شوهرانشان قرار گرفته اند و آنهایی که بدون رضایت و علاقه همسر خود را انتخاب نموده اند بیشتر مورد خشونت شوهرانشان قرار گرفته اند.

جدول ۲: همبستگی بین قابلیت ارتباط پذیری و انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده

سطح معنی داری	خطای استاندارد	قابلیت ارتباط پذیری				متغیر انواع خشونت
		Beta ضریب	B ضریب	R2	R	
۰/۰۰۰	۰/۱۱۶	-۰/۳۶۴	-۰/۷۸۰	/۱۳۲	۰/۳۶۴	خشونت روانی
۰/۰۰۰	۰/۱۱۶	-۰/۳۳۱	-۰/۷۳۷	/۱۳۲	/۳۳۱	خشونت فیزیکی
۰/۰۰۰	۰/۱۲۴	-۰/۲۷۹	-۰/۵۹۵	۰/۱۱۰	۰/۲۷۹	خشونت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	-۰/۳۷۸	-۰/۸۷۵	۰/۱۴۳	۰/۳۷۸	خشونت اقتصادی
۰/۰۰۰	/۸۸۹	-۰/۳۷۲	-۱/۲۴۶	۰/۱۳۸	۰/۳۷۲	خشونت کلی

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود با توجه به مقدار ضریب Beta می توان گفت که بین قابلیت ارتباط پذیری و انواع خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، با اطمینان ۹۹ درصد رابطه قوی معکوس و معنی داری وجود دارد. به این معنی که با افزایش قابلیت ارتباط پذیری میزان خشونت شوهران علیه زنان در خانواده کاهش می یابد و برعکس. با توجه به مقدار R^2 می توان گفت که قابلیت ارتباط پذیری ۱۳/۲ درصد از میزان خشونت

روانی، ۱۱ درصد از خشونت فیزیکی، ۷٪ در صد از خشونت اجتماعی، ۱۴/۳ درصد از خشونت اقتصادی را تبیین می کند.

بطور کلی بر اساس این جدول می توان گفت بین قابلیت ارتباط پذیری و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. به این معنا هر چه قابلیت ارتباط پذیری زن و خانواده اش بیشتر باشد میزان خشونت شوهران علیه زنان در خانواده کمتر است. با توجه به مقدار R^2 می توان گفت که ارتباط با افراد ۱۳/۸ درصد از خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند. این یافته تایید کننده این نظریه بودیواست که جایگاهی که در روابط اجتماعی کسب می شود نوعی خاصی از عادت واره را شکل می دهد بطوریکه شرایط زندگی، رفتارهای فرهنگی و سیاسی از نوع خاصی می شود پس این جایگاه می تواند نوع خاصی از رفتارها را نیز به همراه داشته باشد بنابراین نوع خاصی از روابط اجتماعی شکل مناسبی از روابط زن و شوهر را به همراه دارد.

جدول ۳: همبستگی بین میزان مشارکت انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده

سطح معنی داری	خطای استاندارد	مشارکت				متغیر انواع خشونت
		ضریب Beta	ضریب B	R2	R	
۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	-۰/۶۲۲	-۱/۱۰۳	۰/۳۸۷	۰/۶۲۲	خشونت روانی
۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	-۰/۴۶۲	-۰/۸۳۵	۰/۲۱۳	۰/۴۶۲	خشونت فیزیکی
۰/۰۰۰	۰/۰۹۵	-۰/۴۲۱	-۰/۷۴۷	۰/۱۷۷	۰/۴۲۱	خشونت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۰۰	-۰/۵۳۵	-۱/۰۵۹	۰/۲۸۶	۰/۵۳۵	خشونت اقتصادی
۰/۰۰۰	۱/۱۹۹	-۰/۵۶۶	-۲/۶۱۳	۰/۳۲۰	۰/۵۶۶	خشونت کلی

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود با توجه به مقدار ضریب Beta می توان گفت که بین مشارکت در سازمانها و نهادهای غیر رسمی و انواع خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی شوهران علیه زنان با اطمینان ۹۹ درصد رابطه قوی معکوس و معنی داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش مشارکت زن در سازمانها و نهادهای غیر رسمی میزان

خشونت روانی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی شوهران علیه زنان در خانواده کاهش می یابد و برعکس. با توجه به مقدار R2 می توان گفت که مشارکت ۳۸/۷ درصد از میزان خشونت روانی، ۲۱/۳ درصد از خشونت فیزیکی، ۱۷/۷ درصد از خشونت اجتماعی، ۲۸/۶ درصد از خشونت اقتصادی شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند.

بطور کلی بر اساس یافته‌های توزیع شده در این جدول می توان گفت که بین مشارکت زنان و خانواده شان در سازمانها و نهادهای غیر رسمی خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش مشارکت در سازمانها و نهادهای غیر رسمی میزان خشونت شوهران علیه زنان در خانواده کاهش می یابد و برعکس. با توجه به مقدار R2 می توان گفت که مشارکت ۳۲ درصد از خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند. این یافته تأیید کننده ی این نظریه ی پوتنام است که شبکه‌های تعهد مدنی (انجمنهای همسایگی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، گروههای موسیقی، انجمنهای تعاونی، کلوبهای ورزشی، احزاب...) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی اند زیرا آنها تقویت کننده موثر هنجارهای عمل متقابل هستند.

جدول ۴: همبستگی بین میزان اعتماد و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده

سطح معنی داری	خطای استاندارد	اعتماد				متغیر انواع خشونت
		ضریب Beta	ضریب B	R2	R	
۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	-۰/۶۳۲	-۰/۳۱۶	۰/۴۰۰	۰/۶۳۲	خشونت روانی
۰/۰۰۰	۰/۰۲۶	-۰/۵۲۴	-۰/۲۶۸	۰/۲۷۵	۰/۵۲۴	خشونت فیزیکی
۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	-۰/۴۰۹	-۰/۲۰۷	۰/۱۶۷	۰/۴۰۹	خشونت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۲۹	-۰/۴۹۷	-۰/۲۸۰	۰/۲۴۷	۰/۴۹۷	خشونت اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۹۴۸	-۰/۴۷۳	-۰/۹۳۷	۰/۲۲۴	۰/۴۷۳	خشونت کلی

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود بین اعتماد زن و شوهر به یکدیگر و انواع خشونت روانی، فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی رابطه قوی و معکوس و معنی داری وجود دارد. به این معنا که با افزایش اعتماد زن و شوهر به یکدیگر میزان خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی علیه زن در خانواده توسط شوهر کاهش می یابد و بر عکس. با توجه به مقدار R2 می توان گفت که اعتماد ۴۰ درصد میزان خشونت روانی، ۲۷/۲ درصد از خشونت فیزیکی، ۱۶/۷ درصد از خشونت اجتماعی، ۲۴/۷ درصد از خشونت اقتصادی شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند. بر اساس یافته‌های توزیع شده در این جدول بین اعتماد زن و شوهر به یکدیگر و خشونت شوهران علیه زنان رابطه وجود دارد. به این معنا که با افزایش اعتماد از خشونت شوهران علیه زنان افزایش می یابد. با توجه به R2 می توان گفت که اعتماد اقوام، دوستان و همسایگان به زن و خانواده اش ۲۲/۴ درصد از خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند. این یافته تأیید کننده ی این نظریه ی پاتنام است که اعتماد را به عنوان هسته ی اصلی سرمایه اجتماعی می داند، که زمینه را برای همکاری و توسعه اجتماعی فراهم می کند. بنابراین هر اندازه بین زن و شوهر اعتماد بیشتر باشد همکاری بین آنها بیشتر خواهد شد و نهایتاً از خشونتهای خانوادگی کاسته خواهد شد.

جدول ۵: همبستگی بین تحرک مکانی زوجین و انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده

متغیر انواع خشونت	تحرک مکانی				سطح معنی داری
	Beta	ضریب B	R2	R	
خشونت روانی	-۰/۳۷۶	-۰/۳۹۴	۰/۱۴۰	۰/۳۷۶	۰/۰۰۰
خشونت فیزیکی	-۰/۲۹۳	-۰/۳۲۴	۰/۰۸۶	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰
خشونت اجتماعی	-۰/۲۵۲	-۰/۲۶۲	۰/۰۶۳	۰/۲۵۲	۰/۰۰۰
خشونت اقتصادی	-۰/۲۳۷	-۰/۲۸۰	۰/۰۵۶	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰
خشونت کلی	-۰/۲۲۳	-۰/۲۲۷	۰/۰۵۰	۰/۲۲۳	۰/۰۰۰

همان گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود با توجه به ضریب Beta می توان گفت

که بین تحرک مکانی و انواع خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، رابطه قوی معکوس و معنی داری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد، به این معنا که با افزایش تحرک مکانی انواع خشونت روانی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی کاهش می یابد و برعکس. با توجه به مقدار R^2 می توان گفت که تحرک مکانی ۱۴ درصد از خشونت روانی ۸۰٪ از خشونت فیزیکی، ۶۳٪ از خشونت اجتماعی و ۵۶٪ از خشونت اقتصادی شوهران علیه زنان در خانواده تبیین می کند. بر اساس این جدول بین میزان تحرک مکانی و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد، به این معنی که با افزایش تحرک مکانی، خشونت شوهران علیه زنان در خانواده کاهش می یابد و برعکس. با توجه به R^2 می توان گفت که تحرک مکانی ۵۰٪ از خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تبیین می کند. این یافته نظریات پوتنام و کلمن را که معتقدند تحرک مکانی باعث کاهش و نابودی سرمایه اجتماعی می شود را نقض می کند. آنها معتقدند که تحرک مکانی باعث می شود که خانواده ها شبکه های فعلی خویشاوندی دوستی و سایر تماس های خود را از دست دهند در نتیجه سرمایه اجتماعی آنها کاهش یابد که این خود منجر به خشونت های خانوادگی می شود.

نتیجه گیری

از آنجا که میان سلامت و امنیت خانواده و جامعه ارتباط منطقی وجود دارد و امنیت برای زنان، پایه های خانواده را استواری می بخشد و از سویی به توانمندی جامعه می افزاید بنابراین باید خشونت شوهران علیه زنان در خانواده به عنوان یک معضل اجتماعی مهم مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا تدابیری جهت جلوگیری یا حداقل کاهش خشونت علیه زنان در خانواده اتخاذ شود و از این طریق به سلامت، امنیت و پایداری خانواده و در نتیجه امنیت، سلامتی و شادابی جامعه کمک نمود. با توجه به اینکه مسائل اجتماعی پیچیده و دارای ابعاد متفاوت می باشند در این پژوهش خشونت های خانگی را با توجه به سرمایه اجتماعی درون خانواده مورد بررسی قرار گرفته است.

پاتنام معتقد است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در صورت برابر بودن سایر شرایط، سطوح جرم در جامعه و گروه های اجتماعی پایین تر خواهد آمد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۰). وی معتقد

است که اعتماد و مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی به عنوان منابع اصلی سرمایه اجتماعی هستند. کلمن بر این اعتقاد است که سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع است که متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزشهای مشترک است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده همبستگی معکوس و معنی داری بین بین قابلیت ارتباط پذیری و خشونت شوهران علیه زنان در خانواده می باشد که تأیید کننده نظریه بوردیو است. بوردیو بر این باور است که تمایلات یا گرایشهای رفتاری افراد ناشی از موقعیتی که در روابط اجتماعی دارند. بدین معنی که جایگاهی که در روابط اجتماعی کسب می شود نوعی خاصی از عادت واره را شکل می دهد بطوریکه شرایط زندگی، رفتارهای فرهنگی و سیاسی از نوع خاصی می شود پس این جایگاه می تواند نوع خاصی از رفتارها را نیز به همراه داشته باشد بنابراین نوع خاصی از روابط اجتماعی شکل مناسبی از روابط زن و شوهر را به همراه دارد. همچنین تأیید کننده تئوری فشار است براساس این تئوری می توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی همچنین کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه هم در درون خانواده باعث می شود که افراد هنگام روبه رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آنها غلبه نمایند در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می شود که منجر به جرم و بزهکاری می شود.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده رابطه معکوس و معنی داری بین مشارکت زنان و خانواده شان در سازمانها و نهادهای غیر رسمی خشونت شوهران علیه زنان در خانواده با اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. این نتایج تأیید کننده نظریه کلمن است که بر این باور است که سرمایه ی اجتماعی تعهدات و انتظار کانالهای اطلاعاتی و مجموعه هنجارها و ضمانتهای مؤثری که انواع معینی از رفتار را تشویق و یا مجبور می کند، شکل می دهد کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی صرفاً در درون خانواده قرار ندارد. این سرمایه را می توان در اجتماع نیز یافت که شامل روابط اجتماعی میان زن و شوهر و ارتباط آنها با یکدیگر و در روابط زن و شوهر با نهادهای اجتماع محلی تجلی می یابد. همچنین تأیید کننده ی این نظریه ی پوتنام است که شبکه‌های تعهد مدنی (انجمنهای همسایگی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، گروههای موسیقی، انجمنهای تعاونی، کلوبهای ورزشی،

احزاب ...) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی اند زیرا آنها تقویت کننده موثر هنجارهای عمل متقابل هستند.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده رابطه معکوس و معنی داری بین اعتماد زن و شوهر به یکدیگر و خشونت شوهران علیه زنان می باشد. به این معنا که با افزایش اعتماد از خشونت شوهران علیه زنان کاهش می یابد و بالعکس. این یافته تائید کننده ی این نظریه ی پاتنام است که اعتماد را به عنوان هسته ی اصلی سرمایه اجتماعی می داند، که زمینه را برای همکاری و توسعه اجتماعی فراهم می کند. بنابراین هر اندازه بین زن و شوهر اعتماد بیشتر باشد همکاری بین آنها بیشتر خواهد شد و نهایتاً از خشونت های خانوادگی کاسته خواهد شد. به طور کلی اغلب اندیشمندان حوزه ی سرمایه اجتماعی بر این باورند که اعتماد نوعی گریس اجتماعی است که چرخهای تبادلات اجتماعی را روغن کاری می کند و در صورت عدم وجود آن، این تبادلات بسیار پر هزینه خواهند شد.

تحلیل رگرسیون رابطه معکوس و معنی داری بین تحرک مکانی و انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را نشان می دهد. به این معنا که با افزایش تحرک مکانی خشونت شوهران علیه زنان در خانواده کاهش می یابد و بر عکس. این یافته نظریات پوتنام و کلمن را که معتقدند تحرک مکانی باعث کاهش و نابودی سرمایه اجتماعی می شود را نقض می کند. آنها معتقدند که تحرک مکانی باعث می شود که خانواده ها شبکه های فعلی خویشاوندی دوستی و سایر تماس های خود را از دست دهند در نتیجه سرمایه اجتماعی آنها کاهش یابد که این خود منجر به خشونت های خانوادگی می شود.

اما این موضوع را به این صورت می توان توضیح داد که عدم تحرک مکانی باعث می شود که شوهر همچنان تحت تأثیر فرهنگ خدامنشانه پدرسالارانه قرار گیرند و برای اثبات قدرت خود اقدام به خشونت شوهران علیه زنان بکنند اما تحرک مکانی باعث می شود که افراد با فرهنگهای مختلف دیگر آشنا شوند و این خود باعث می شوند که روابط اجتماعی آنها گسترش یابد و دیگر خود را مقید به فرهنگ مردسالار نکنند که این نهایتاً باعث تضعیف خرده فرهنگ مردسالار و کاهش خشونت خواهد شد.

منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۷) «خشونت خانوادگی، بازتاب ساختار جامعه»، زنان، ش ۵۰، صص: ۵۱-۴۸.
- پاتنام، وبرت (۱۳۷۹)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۷۸) «چرا مردان با اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟»، زنان، سال هشتم، ش ۵۶، صص: ۵۴-۵۰.
- زنگه، محمد (۱۳۸۰) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت شهران علیه زنان در خانواده، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، شیراز، بخش جامعه‌شناسی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران:
- غفاری، مریم (۱۳۷۷)، آیا ضرب و شتم زن نشانه مردانگی است؟ روزنامه‌همشهری، سال ششم، ش ۱۵۷۵، ۷ تیر ۷۷، ص: ۱۲.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، شابک.
- فیلد، جان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: انتشارات کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳) تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی،
- ملکی، امیر، نژاد سبزی، پروانه (۱۳۸۹) "رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان" مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.
- مولاوردی، شهیندخت (۱۳۷۸) «علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان»، حقوق زنان، ش ۱۰، صص: ۲۳-۱۷.

- Coleman, J.(1988) social capital in the creation of human capital', American Journal of Sociology 94:S95-120.
- Coleman,J.(1990), Foundations of Social Theory, The Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge MA.
- Degraaf, N.D.,Degraaf, P.M,kraaykamp,G(2000).Parental cultural capital & educational attainment in the netherlands:a refinement of the cultural capital perspective. Sociology of Education.vol.73:92-111.
- Hornung, Carlton A. & Others (1981)"Status Relationships in Marriage: Risk Factors in Spouse Abuse", Journal of Marriage and the Family, Vol. 43, No.3, PP: 675-962.
- Katz, Rebecca S , 2002 "Rc-Examining the Integrative Social capital Theory of Crime". Western Criminology Review 4 (1) , 30-54.
- Larance , Lisa Yong(2004)" support group membership as a process of social formation among femal survivors of demestic violence " journal of inter personal violence, Vol.19, NO.6.
- Mouzelis, Nicos (1995), SociologicalTheory: What Went Wrong? London: Routledge & Kegan Paul.
- Paxton, Pamela.(1999)" Is Social capital declining in the united stated? A Multiple Indicator Assessment in American journal of sociology , Vol. 105, No.1.
- Vimpani, Graham(2000), Child dddeve lopment & the Civil Society-Does social capital Matter? Developmental & Behavioral Pediatrics, vol.21,no.1,February,44-47
- William, Kirk R.(1992)"Social sources of Marital Violence and deterrence: Testing an Integrated Theory of Assaults between partners"Journal of marriage and family , vol.54,No.3, pp:620-629.
- Zolotor,Adam J, Runyan, Demond,K.(2006)" Social capital ,Family Violence, and Neglect" . pediatrics Vol. 117 No.6 jun 2006.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی